به نام خدا

شفافیت (چتر کلی: بکارگیری گسترده‌ی شفافیت و مشارکت فعال و مؤثر مردم و نخبگان در مسائل حکومتی، در راستای مقابله با فساد، افزایش مسئولیت‌پذیری حکومتی، ارتقاء کارآمدی و سرمایه‌ی اجتماعی)

* به طور کلی باید بگوییم که در کشور ما در مورد مبارزه با فساد فقط حرف زدیم، در حالی که ابتداییات مقابله با فساد در کشور وجود ندارد. فهم مردم و بسیاری از مسئولین مبارزه با فساد، به معنای کشف فساد و مجازات مفسد است، در حالی که باید پیشگیری کرد از بروز فساد و این اصل مبارزه با فساد است. این ماجرا هم حرف و شعار نیست و ابزارهای مهم و کارآمد و ساده‌ای برای آن وجود دارد که مهم‌ترینش شفافیت است، چرا که شفافیت دریچه نظارت مردمی و عمومی و در نتیجه امر به معروف و نهی از منکر حکومت را امکان‌پذیر می‌کند.

**شفافیت/ تعارض منافع**

* همه انسان ها بسته به موقعیت خود منافع متعارضی با هم دارد و گاه منافع افراد در مقابل منافع ملی قرار می‌گیرد. از این منظر متاسفانه همواره عده ای در حاکمیت هستند که منافعی در بخش خصوصی دارند و این باعث فسادهای جدی و ناکارآمدی تصمیم گیری ها و پروژه ها و برنامه ریزی ها می‌شود.
* برخی افراد هستند که هم در دولت مسئولیت دارند و هم در بخش خصوصی. گاهی هم مسئولین منافع دیگری در بخش خصوصی دارند، نظیر سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در بخش خصوصی و یا شرکت‌داری خود یا وابستگان آنها. در چنین شرایطی این خطر جدی وجود دارد که منافع بخش خصوصی بر دولتی بچربد. برای مقابله با این کار هم باید شفافیتی ایجاد شود و هم قوانین جدی وجود داشته باشد که افراد نتوانند همزمان در بخش دولتی باشند و هم در بخش خصوصی منافع داشته باشند یا آسیب‌های این مشکل را حداقل کنیم. این مسئله یک شعار نیست. تجربه بین‌المللی جدی دارد. خیلی از کشورها در این مسیر تجارب قابل توجهی دارند که می‌تواند مورد مطالعه و احیانا استفاده ما قرار بگیرد.
* باید درآمدها و دارایی‌های کلیه مسئولین کشور شفاف شود این به جلوگیری از فساد و افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند. وجود اطلاعات مالی مسئولین برای قوه قضائیه و یا صرفاً نهادهای نظارتی کافی نیست و باید همه مردم از این اطلاعات باخبر باشند تا این شفافیت اثر بازدارندگی داشته باشند. / برخی موارد جلوگیری از فساد نیاز به بگیر و ببند ندارد و تنها اگر شفافیت ایجاد شود خودش بازدارنده است مثل افشای اموای و دارایی‌های مسئولان کشور، که این ماجرا قدرت شفافیت در پیشگیری از فساد را نشان می‌دهد
* باید دریافت هدایا و حق الجلسات و ... حتما شفاف شود که مسئولین از چه کسانی؟ چه هدایایی؟ دریافت کرده‌اند و اگر اعلام نکردند قانون باید برخورد کند. چرا که وقتی این امر شفاف شود، تحت فشارهای اجتماعی افراد ناسالم رفتار خود را اصلاح می‌کنند، یعنی مکانیزیمی اجتماعی سبب این محدودیت شود. لذا این روش خیلی بهتر و کارسازتر است از اینکه یک نفر از بالا محدود کند (تأکید بر خودکنترلی و بازدارندگی شفافیت).
* باید کلیه قراردادها و پروژه ها خریدهای دولتی، مناقصه‌ها و مزایده‌هایی که دولت متقاضی و کارفرمای آن است برای عموم مردم شفاف شود. این کار فواید فراوانی دارد اولا باعث ایجاد فرصت مشارکت برای همه می‌شود و رانت اطلاعاتی از بین می‌رود و ثانیا از فسادهای بعدی جلوگیری کرده و امکان نظارت را فراهم می‌کند.
* بودجه و عملیات اجرایی آن و کلا پولی که دولت خرج می‌کند باید برای همه مردم شفاف باشد. مردم حق دارند بدانند بیت المال چگونه هزینه می‌شود تا امکان نظارت داشته باشند. الان هم گزارش تفریغ بودجه داریم، اما خیلی کلی و بی فایده است لذا هزینه کرد بودجه باید با جزئیات منتشر شود. مثلا باید هزینه همه همایش‌های دولتی، هزینه همه مراسمات دولتی نظیر مراسمات افتتاح‌ها، سفرهای اعضای کابینه، مراسمات تودیع و معارفه، و ... به صورت عمومی منتشر شود. مشخص است که چنین کاری تا سطح خوبی از مخارج بیهوده جلوگیری خواهد کرد.
* باید کلیه قوانین و مقررات و رویه و اقدامات حکومتی شفاف و ساده سازی شده و به مردم عرضه شود و مردم به صورت ساده و شفاف بدانند که چه تصمیماتی گرفته می‌شود. این کار جلوی رانت و سوء استفاده از قانون را می‌گیرد و مردم را با حقوقشان آشنا می‌کند. برخی قوانین شفاف هستند، اما آنقدر پیچیدگی دارند که عملا برای مردم و حتی دستگاه‌ها غیرقابل فهم یا عمل می‌شود! برای انجام این کار هم از خود مردم کمک خواهیم گرفت: مسابقه‌هایی را برای کشف و معرفی قوانین متعارض یا پیچیده برگزار خواهیم کرد و از طرف دیگر به بهترین راه‌حل‌های عمومی برای حل آن مشکلات نیز پاداش خواهیم داد.
* باید از ارائه پروژه‌های حکومتی و دولتی به مسئولین و کارکنان دولت و شرکت‌های وابسته و اقوام آنها جلوگیری کرد چرا که در این کار در افراد تعارض منافع وجود دارد و این یک رانت و اعمال نفوذ است و احقاق را در آینده سخت خواهد کرد. انجام این کار هم نیازمند قوانین جدی و بازدارنده (= جرم‌انگری واضح) و هم مکانیزمهای کارآمد کشف آنهاست که مهم‌ترین آنها باز ایجاد شفافیت در ارائه اطلاعات شرکت‌داری مسئولین است.
* باید برای کسانی که مسئولیت قانونی می‌پذیرند پس از دوره مسئولیت محدودیت قرار داد و حق نداشته باشند تا مدت مشخصی هر گونه فعالیت در موضوع مسئولیت قبلی داشته باشند چرا که اینها انبوهی از رمز و رازهای کار را با خود می‌برند و ارتباطات و رانت‌های گسترده می‌توانند ایجاد کنند. این پدیده در ادبیات مبارزه با فساد به اسم «درب‌های گردان» معروف است: یعنی جابجا شدن از بخش خصوصی به بخش دولتی یا بالعکس. این پدیده در دنیا بسیار قابل توجه است و قوانین مشخص و جدی هم دارد. لذا این محدودیت قائل شدن (در جابجایی بین دو بخش) اصلا جدید نیست و در دنیا با سابقه است. مثلا کسی که رئیس بانک مرکزی است باید بداند اگر این مسئولیت را بپذیرد دیگر نمی تواند تا 5 سال بعد از مسئولیت هیچ گونه فعالیتی در بخش خصوصی مرتبط با بانکداری و حوزه مالی انجام دهد و یا بالعکس.

**شفافیت در انتخابات**

* متأسفانه بسیاری از مشکلات کشور به سادگی تبدیل به دعواهای سیاسی میشود، در حالی که می‌توان مشکل را بدون جنجال حل کرد. ماجرای پول‌های انتخاباتی متأسفانه در کشور ما به سادگی تبدیل شد به ادبیات زشت «پول‌های کثیف» و ابزاری شد برای برخی سیاسیون و برای دعواهای سیاسی، در حالی که باید این مشکل را به صورت نظامند‌ حل کرد و ابزارهای مشخص و دقیقی هم برای آن وجود دارد. این ابزارها به صورت زیر است:
* اعلام عمومی جزئیات و ترکیب منابع مالی نامزدها (و تعیین محدودیت اخذ کمک مالی از منبع واحد)
* اعلام عمومی جزئیات و ترکیب هزینه‌های انتخاباتی
* اعلام عمومی درآمدها و دارایی‌های نامزد
* اعلام عمومی دقیق مشاغل و فعالیت‌های پیشین
* ثبت و اعلام عمومی مکتوب وعده‌های انتخاباتی (در قالب‌های دقیق و قابل اندازه‌گیری)
* مکتوب و جزئیات مواضع نامزد پیرامون مسائل مهم روز

**ضمانت اجرا/ قانون نظارت عمومی**

* دولت پس از آنکه سامانه‌های شفافیت زای خود را ایجاد کرد و قوانین مبارزه با فساد را تنظیم کرد قطعا باز هم مواردی می‌ماند که باز هم فساد و تقلب وجود داشته باشد. در این بخش دولت باید از خود مردم کمک بگیرد.
* ما زیرساخت خوبی در شرع مقدس و نیز مبانی قانونی برای نظارت همگانی (نظیر اصل 8 قانون اساسی، سیاست‌های کلی ارتقاء سلامت نظام اداری) داریم اما به دلیل عدم حمایت جدی قانون این زیرساخت نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر عملیاتی نمی شود.
* در امر نظارت بر مسئولین باید از خود مردم کمک گرفت و حکومت هرگز به تنهایی نمی‌تواند نظارت کند. حکومت باید قوانینی را تصویب و اجرا کند که از گزارشگران فساد در مورد عواقب افشای فساد حمایت کند. این مسئله در حوزه مبارزه با فساد دنیا، ادبیات مشخص و کامل و دقیقی دارد که ما می‌توانیم از آن بهترین تجارب آنها استفاده کنیم.
* در حال حاضر افراد زیادی انگیزه گزارش فساد را حتی به لحاظ شرعی دارند اما چون قوانین حمایتی از این شخص نمی کند از این کار منصرف می‌شود. حمایت از گزارشگران فساد به دلیل بالا بردن خطر کشف فساد از طریق به خدمت گرفتن همه مردم با انگیزه‌های مادی و غیر مادی امکان فسادهای سازمان یافته را بسیار پایین می‌آورد. در مدل‌های پیشرفته حتی باعث می‌شود که داخل گروه‌های فساد هم احتمال لودادن یکدیگر بالا برود (به دلیل پاداش و جذابیت‌های گزارش فساد) و لذا فساد و مفسدین به شدت ناامن می‌شود. این اقدامات به سادگی می‌تواند فساد سیستمی را متزلزل کند.
* تبدیل کردن مردم به ناظرانی همیشه بیدار (با قراردادن جوایز مادی و غیرمادی) سبب می‌شود تا مسئولین خود را همه جا در معرض نظارت عمومی دیده و این خطر و ترس از کشف شدن، انگیزه آنها از ارتکاب به جرم را به حداقل برساند.
* برخی از مهم‌ترین مصادیق گزارش‌گری تخلفات عبارت‌اند از درخواست از عموم مردم برای گزارش:
  + رشوه و تخلفات قانونی (در بدنه حکومتی)،
  + گرانفروشی، احتکار و تقلب (در کسب و کار)
  + تخلف‌های ساده‌ رانندگی مانند پارک ممنوع و ورود ممنوع.

**ایجاد سازوکارهای مستقیم عریضه نویسی برای مردم در کنار نهادهای موجود**

* باید دریچه‌ای واحد برای ثبت عریضه‌ها و درخواست‌های عمومی نسبت به انجام مسائل مختلف (از سوی دولت) ایجاد شود، که متعاقب آن، دولت خود را مکلف به انجام و یا ذکر پاسخ رسمی دلایل عدم امکان انجام آن نماید. بدیهی است صرفاً عریضه‌هایی که بتواند تعداد مشخصی امضا را به خود جلب نماید، شایسته بررسی و اقدام خواهد بود./ این کار به مشارکت مردم در عارضه‌یابی، تصمیم گیری ها و تخلیه شدن بار انتظارات جامعه کمک می‌کند

**استفاده از ظرفیت مردمی برای حل مسائل با کمترین هزینه/ ارزان اداره کردن کشور (مسابقه‌های حکومتی)**

* در این سازوکار دولت برای انجام امور خود، دست یاری را به سمت عموم مردم دراز کرده و جایزه‌ای مشخص (عموماً مادی) را در ازای ارائه بهترین و سریع‌ترین خروجی قرار می‌دهد. در چنین شرایطی و با کنار رفتن رانت‌ها و قرابت‌ها (که در عموم قراردادها مرسوم است) همه افراد فارغ از درجه و اعتبار و مدرک، جهت پیروزی در این مسابقه با هم رقابت می‌کنند. نتیجه چنین سازوکاری، دست‌یابی حکومت به انبوهی از خروجی‌های قابل استفاده در ازای پرداخت هزینه برای یکی (یا تعداد محدودی) از آنها، آنهم در شرایطی بسیار رقابتی و تلاشگرانه می‌باشد.
* در همین رابطه، یک ایده‌ی خیلی جذاب این است: دولت مسابقه برگزار کند که همه افراد بیایند و قوانین و مقررات متعارض و یا زاید و دست‌وپا گیر و خلاصه کاغذبازی‌ها را معرفی کنند و دولت به این گزارش‌ها جایزه بدهد! نتیجه اینکه با هزینه اندک می‌توان انبوهی از زوائد را کشف کرد و مشارکت مردم را بسیار ترویج کرد (انگلستان تجربه بسیار جالبی در این رابطه دارد)

**استفاده از ظرفیت مردمی در مراحل اقدام و تصمیم گیری حکومتی**

* می توان درگاه‌های متعددی طراحی کرد که مردم در آنها به حکومت در اقدامات خود کمک کرده ومشاوره بدهند

برخی از آنها به صورت زیر هست:

* درگاه‌های مشارکت مردم در عارضه‌یابی (شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات)
* درگاه‌های مشارکت عمومی در تدوین راه‌کارها (شناسایی راه‌کارهای مناسب)
* درگاه‌های مشارکت مردم در فرایندهای نظارت
* درگاه‌های مشارکت مردم در فرایندهای ارزیابی عملکرد

شفافیت مسئولین حکومتی

* شفافیت حقوق و مزایا: باید کلیه حقوق و مزایای حقوق‌بگیران دولتی، که جمع مبلغ دریافتی ماهیانه‌ی آنها بالای 5 برابر حقوق پایه است برای عموم مردم شفاف شود./ پذیرش مسئولیت سخت می‌شود و هر کسی مسئول نمی شود/ مردم طلبکار خواهند بود و مسئولین نمی توانند بر مردم منت بگذارند
* درآمدها و دارایی‌ها: شفافیت کلیه درآمدها و دارایی‌های مسئولین (بالاتر از رده‌ی کارمند)
* یکی از انگیزه‌های نامناسب مسئولیت و هزینه تراشی‌های بی مورد سفرهای غیرضرور مسئولین است که لازم است اعلام عمومی سفرها و مزایای مسافرتی (داخلی و خارجی) صورت بگیرد.
* شفافیت برنامه‌ها و اقدامات

**شفافیت شوراها و کمیسیون ها**

بسیاری از تصمیمات در کشور ما در کمیسیون ها و شوراها گرفته می‌شود که مطلقا محتوای آنها در جایی منتشر نمی شود در حالی که لازم است محتوای آنها (دستور جلسات، مصوبات جلسات، ویدئو و مشروح مذاکرات، اسامی و سمت اعضای جلسات، هزینه‌های برگزاری جلسات، ...) شفاف شده و در معرض عموم قرار بگیرد

**شفافیت فرآیند قانون گذاری و مشارکت گرفتن عموم در این فرآیند**

فرآیند قانون گذاری در کشور، هم شفافیت پایینی دارد و هم از حیث کارشناسی و جامعیت و مانعیت و اثرگذاری و .... قوانین ناکارآمدی را بیرون می‌دهد. باید فرآیندی ایجاد شود که همه فرآیند قانون گذاری و ذی نفعان و مباحث مرتبط با آن شفاف بشود و مردم نیز در محتوای قانون مشارکت داشته و نظارت مختلف داده شده و پخته شود (برخی نکات عملیاتی ناظر به این ایده‌ی مهم، در محورهای قبلی ذکر شده است).